

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

نا اکتون کارمندی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزبانک دریافت کرده‌اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزبانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می‌توانید در عزیزبانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

www.azizibank.af 1515

توصیه جنرال ارشد امریکایی به افزایش نیرو در افغانستان

رییس فرماندهی مرکزی ارتش امریکا بر ضرورت افزایش نظامیان امریکایی در افغانستان برای جنگ با طالبان و دیگر شبه‌نظامیان تأکید کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، جنرال جوزف ووتل، رییس فرماندهی نیروهای مرکزی ارتش امریکا که بلندپایه‌ترین مقام نظامی امریکا در خاورمیانه محسوب می‌شود، در سخنانی در کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای امریکا اظهار کرد: من معتقد هستم که باید نیروهای بیشتری در افغانستان مستقر شوند تا بتوان تأثیر مأموریت مشورتی و کمکی نیروهای مان در این کشور را بیشتر کرد.

ووتل خاطر نشان کرد، در حال کار بر روی یک راهبرد جدید با هدف شکست آنچه که وی یک "بن‌بست" در مقابله با طالبان در افغانستان خواند، است.

جنرال جوزف ووتل در جلسه در کنگره این احتمال را رد نکرد که برای مبارزه با داعش، نیروهای امریکایی بیشتری به عراق و سوریه اعزام شوند. ووتل گفت که با افزایش نیروهای امریکا در افغانستان، در راهبرد کنونی هم باید بازنگری شود؛ راهبردی که اغلب سربازان امریکایی را در نقش مستشاری نگه می‌دارد و طبق آن کماندوهای امریکایی فقط زمانی می‌توانند وارد درگیری شوند که به آنها تیراندازی شود.

اگر دولت امریکا به این توصیه ارتش عمل کند، یک چرخش در رویه سال‌های اخیر امریکا است که در جریان آن به طور دائمی از حجم حضور نیروهای امریکا در افغانستان کاسته شده است؛ حضوری که از یک‌صد هزار نیرو در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به ۸۴۰۰ نیرو رسیده است.

این سخنان رییس فرماندهی مرکزی ارتش امریکا در راستای اظهارات جنرال جان نیکلسون، فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان است که به همین کمیته سنا گفته بود احتمالاً به "چند هزار نیروی بیشتر" برای مشارکت در مأموریت آموزش نیروهای افغانستان نیاز دارد.

جنرال ووتل همچنین نسبت به وقوع یک درگیری میان پاکستان و هند و تبدیل شدن آن به یک جنگ هسته‌ای هشدار داد.

او خاطر نشان کرد: هند در تلاشش برای منزوی کردن پاکستان در حال ایجاد یک مانع بر سر راه توسعه روابط بین دو کشور است و سیاست‌های هند موجب تیره تر شدن روابط دو کشور شده است. ووتل افزود: سیاست علنی هند برای منزوی کردن دیپلماتیک پاکستان دورنمای بهبود روابط دو کشور را تیره تر می‌کند. این مساله از آن جهت نگران کننده است که وقوع یک جنگ عادی میان هند و پاکستان می‌تواند تبدیل به یک جنگ هسته‌ای شود زیرا هر دو کشور مجهز به سلاح هسته‌ای هستند.

وی تأکید کرد: امنیت در طول مرزهای غربی برای اسلام آباد اولویت دارد و ارتش این کشور به دنبال افزایش کنترل بر مرز و تقویت نیروهای شبه نظامی ارتش خود در منطقه است.

ووتل همچنین گفت، ۲۰ گروه تروریستی در مرز پاکستان و افغانستان فعالیت می‌کنند که هفت موردشان در پاکستان هستند.

او تأکید کرد: تا زمانی که این گروه‌ها همچنان در پاکستان از پناهگاه امن برخوردار باشند ثبات بلند مدت در افغانستان را تهدید خواهند کرد.

فاجعه

۴۰۰ بستر

ورجز خوانی

مقام‌ها



در حاشیه روز زن

تبعیض جنسیتی، قومی، زبانی و ... همه یکسان مردود اند

فطرت انسانی، همچنین با تکیه بر آموزه های دینی، همینکه بار بار میگوئیم، الحمد لله رب العلمین، (رب العالمین یا خالق همه)، اعم از زن و مرد، عرب و عجم، سیاه و سفید، مسلمان و غیرمسلمان ... کفایت که به کرامت انسانی، انسانها حرمت گذاریم و از تبعیض میان مخلوق خدای یکتا بپرهیزیم. مناسبت ها، از جمله مناسبت روز زن از آن حیث مهم است که ما را به تأمل و میدارد که نصف جامعه خود را بهتر بشناسیم. اینکه زنان سیر تاریخی بیرون شدن از تبعیض جنسیتی را با چه مسافت و مشکلاتی پیموده اند و این تغییر در طرز تفکر مان در مورد جایگاه و نقش زن چه میباشد و این سفر عدالت گرایانه در افغانستان در کدام مرحله قرار دارد؟

در آخرین اقدام، ملل متحد، عنوان **Be bold for change** "برای تغییر با جرأت باشید" را برای زنان جهان انتخاب کرده است تا در پهلوی توانمند ساختن اقتصادی، محیط امن کار و زندگی نیز برای زنان آماده گردد.

از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود



۳ جولای سال ۲۰۰۰ بود که احمدشاه مسعود به‌حیث اولین رهبر از خانواده جهاد و مقاومت، اعلامیه حقوق اساسی زنان افغانستان را امضا کرد. این اعلامیه که در کنفرانس شهر دوشنبه، به تاریخ ۲۸ جون با اشتراک ۳۰۰ زن از داخل و خارج افغانستان قبلاً تصویب گردیده بود، پس از امضای مسعود، مورد حمایت و پشتیبانی ۳۰۰۰۰۰ زنان که در ساحات کنترل مقاومت زندگی می‌کردند، قرار گرفت و به امضا رسید. هدف از تصویب این اعلامیه و تمامی تلاش‌ها آن بود تا حقوق اساسی زنان افغانستان در چوکات یک قانون اساسی جدید احیا گردد. اعلامیه حقوق اساسی زنان،

زمانی مورد حمایت مسعود و مردم قرار گرفت که طالبان در مناطق تحت کنترل خود طی ۵ سال حاکمیت شان، این حقوق اساسی را با فتوای های طالبانی فسخ و لگدمال نموده بودند و زنان و دختران کشور را از حق تعلیم و تربیه، حق صحت، حق کار، و بسیاری از حقوق اولیه انسانی و اسلامی محروم ساخته بودند. متأسفانه همین تفاوت های ارزشی در افغانستان، تبعیض زأ بوده اند و رهبران جامعه را دست باز داده است که از این حربه علیه یکدیگر و دیگران استفاده نمایند. میزان تهدید ها را در کشور بالا ببرند و بلافاصله بازی دست تروریستان گردند. در مقام یک انسان، با وجدان و با

صفحه ۲



چو ایستاده‌ای دست افتاده گیر

عزیزی بانک به ادامه همکاری‌های اجتماعی، این بار برای شفاخانه سرطان سینه، کمک نقدی کرد و به مناسبت هشت مارچ، یک تابلوی نقاشی دستی، از هنرمندان کشور را به وزیر امور زنان و معینان این وزارت اهداء کرد.

این برنامه که در تالار وزارت امور زنان برگزار شده بود، معاون اجرایی عزیزبانک این کمک نقدی را به این شفاخانه اهداء کرد.

عبدالفتاح کریمی، معاون اجرایی عزیزبانک نخست روز جهانی زن را تبریک گفت، سپس چک نقدی را به سپوزمی وردک، معین مسلکی و پالیسی این وزارت اهداء کرد. در ضمن، به آنان وعده داد که در بودجه سال آینده، برای این نهاد کمک بیشتر در نظر می‌گیرد.

خانم وردک، از این اقدام عزیزبانک سپاسگزاری کرد و از دیگر نهادها خواست که به این بخش کمک کنند. بانو وردک اطمینان داد که پول‌های کمک‌شده به گونه شفاف مصرف خواهد شد.

عزیزی بانک بزرگ‌ترین گروه بانکی در افغانستان، برای هر سال برنامه‌های اجتماعی ویژه در نظر دارد تا بتواند مسؤولیت‌های اجتماعی‌اش را اداء کند.

چو ایستاده‌ی دست افتاده گیر

احمد عمران

فاجعه

۴۰۰ بستر و رجز خوانی مقام‌ها



سخن ماندگار

سریال

ناگشوده حملات انتحاری

روز چهارشنبه هفته گذشته، نیروهای دهشت افکن وارد شفاخانه چهارصد بستر ارتش (شفاخانه سردار محمد داوود خان) شدند و دست به قتل گسترده زدند. مهاجمان توانستند که سه ساعت به قتل مردم بپردازند و هفت ساعت در برابر نیروهای دولتی بجنگند. در پایان هم گفته شد که ۳۵ تن کشته و شصت تن دیگر زخم برداشته‌اند. اما این آمار رسمی، هرگز مورد قبول دیگر صاحب‌نظران و منابع خبری قرار نگرفته است؛ زیرا به نظر می‌رسد که دولت در این مورد - و موارد مشابه - حقیقت را از مردم پنهان نگه می‌دارد.

اطلاعات غیررسمی می‌رساند که حمله‌کننده‌ها دست به جنایت فجیع زده و بیش از هفتاد تن را کشته‌اند؛ اما این‌که چرا دولت حقایق را پنهان می‌کند، سوال همیشه‌گی مردم است. شاید به دلیل این‌که میان مردم وحشت ایجاد نشود و شاید هم برای نجات خود از بازخواست عمومی.

اما جدا از این‌همه، حمله به شفاخانه چهارصد بستر، سوال‌های زیادی را خلق کرده است؛ همان سوال‌هایی که همواره بعد از حمله‌های تروریستی کلان، مطرح می‌شود.

چهارصد بستر که یک شفاخانه محافظت‌شده امنیتی است؛ چگونه مورد حمله قرار گرفته است؟ چگونه این دو - سه مهاجم آن‌همه جنگ‌افزار را وارد ساختمان هفت طبقه‌ی کردند و هفت ساعت با نیروهای مجهز دولتی جنگیدند؟ چگونه کمره‌های امنیتی این جریان‌ها را ثبت نکردند و یا از قبل خاموش شده بودند؟

پیدا است افرادی که این حمله‌ها را انجام داده‌اند، به‌سادگی وارد آن محیط نشده‌اند و امکان هم ندارد حمله‌کننده‌های انتحاری که گفته می‌شود با لباس پزشکان وارد شفاخانه شده‌اند، آن‌هم سلاح و مهمات را با خودشان یک‌جا انتقال داده باشند. بسیار واضح است که قبل از رسیدن انتحاریان به آن محل، سلاح و مهمات کافی برای شان در داخل شفاخانه آماده شده و حلقه‌ی که این کارها را سامان داده است، حملات دیگر را نیز سامان داده و می‌دهد.

حالا یک دولت مسوول باید به این نکته توجه کند که چه کسانی در داخل نظام و از کدام موقعیت‌ها با تروریستان همکاری می‌کنند. دولت و مسوولان امور باید حلقه انجام‌دهنده این حملات را در داخل دستگاه‌های دولتی و یا هم ساختار امنیتی شناسایی کنند. امروزه طالبان در خانه برخی از سیاست‌مدارانی به‌سر می‌برند که مقتدرانه در نظام تکیه زده‌اند. بنابراین، تا زمانی که تروریستان از ساختار نظام بیرون رانده نشوند و تا زمانی که نهادهای امنیتی از حضور وابسته‌گان آی.اس.آی و تروریسم رهایی نیابد، هرگز به امنیت دست نمی‌یابیم.

از طرف دیگر، امروزه با توجه به تکنالوژی‌ی که در دست داریم و با توجه به امکاناتی که جهان دارد، تشخیص این‌که این حمله انتحاری توسط کی‌ها و از کجا صورت گرفته، امری بسیار سهل و ساده است. تکنالوژی امروز، قدرت تشخیص این‌همه را به‌سادگی دارد؛ اما از آن‌جایی که دشمن در مهم‌ترین نقاط و بخش‌های دولتی به‌خصوص امنیتی نفوذ کرده، محال است که چنین تحقیق و بررسی‌ی صورت بگیرد. زیرا واضح است که با بررسی دقیق پشت این رویدادها، تشبث کسانی در نظام به زمین می‌افتد. چنان‌که می‌بینیم هنوز هیچ کس از حمله به قطعه رجال برجسته، چیزی نمی‌گوید و کسی در مورد حمله شاه‌شهید افشاگری نمی‌کند و ده‌ها حمله دیگر همچنان ناگشوده باقی مانده‌اند. مسلماً در مورد این حمله نیز جزئیات به گونه دقیق گفته نخواهد شد و مسلماً با این وضع، روند مبارزه با تروریسم با مشکل مواجه می‌شود؛ چنان‌که تا کنون شده است.

نکته اول

«وقتی تربیون سیاست با میدان جنگ هماهنگ نیست، وقتی سیاسیون درگیر بازی «شناسنامه الکترونیکی» هستند، وقتی وزرای قوای مسلح، سال‌خورده، معلول و کم‌سواد هستند؛ سربازان شهید می‌شوند، زنان شهید می‌شوند، کودکان شهید می‌شوند...» (ملک ستیز)

نکته دوم

«چهارشنبه»، یک بار دیگر در افغانستان خونین شد. این بار گروه‌های افراط‌گرا با حمله به شفاخانه ۴۰۰ بستر سردار محمد داوود و کشتن بیش از سی و پنج تن و زخمی کردن نزدیک به صد تن دیگر، یکی از خونین‌ترین جنایت‌های خود را در این کشور به خاک و خون نشسته رقم زدند.

در افغانستان هر روز فاجعه تکرار می‌شود، ولی گاهی چنان عمق فاجعه بزرگ است که نمی‌توان به‌سادگی آن را از حافظه بیرون کرد. حادثه شفاخانه سردار محمد داوود بدون شک از این نوع فاجعه‌ها بود. فاجعه‌ی که باید آن را در حافظه نگه داشت و برای مرور کارنامه «برادران ناراضی» آن را بایگانی کرد.

جنایت از هر نوع آن افشاکنده است؛ افشاکنده ماهیت فردی کسانی که آن را مرتکب می‌شوند. جنایت نشان می‌دهد که به‌ازای چه چیزی صورت گرفته و برای چه صورت گرفته است. جنایت، دست جنایت‌کار را رو می‌کند و ماهیتش را به رخ می‌کشد. شاید ظاهراً جنایت روز چهارشنبه را این‌بار گروه موسوم به دولت اسلامی یا داعش به عهده گرفته باشد، ولی به هیچ صورت از آن ماهیت‌زدایی نمی‌کنند. این جنایت همچنان در تداوم جنایاتی قرار دارد که گروه‌های دیگر در افغانستان صورت داده‌اند، چه این گروه‌ها را طالبان بدانیم و یا شبکه حقایق و یا هر گروه دیگری. جنایات این گروه‌ها می‌گویند که شما با نام‌گذاری‌های متعدد و متفاوت، دچار فریب‌خورده‌گی شده‌اید.

کسانی پشت صحنه نشسته‌اند و شما را به توهم و فریب‌خورده‌گی سوق می‌دهند. آیا این جنایت، چیزی متفاوت از کارنامه دیگر گروه‌های افراط‌گرا و جنایت‌کار در افغانستان است؟! بدون شک خیر. این جنایت، یک جنایت مشترک است که فقط برای رد گم کردن و ایجاد سوءتفاهم، نشانی آن تغییر کرده ولی به هیچ صورت، ماهیت آن تغییر نکرده است.

حضور بیست گروه مسلح در داخل افغانستان که رییس‌جمهوری و اطرافیانش خوش دارند برای ماهیت‌زدایی از برخی گروه‌ها آن را تبلیغ کنند، دروغی بیش نیست. این گروه‌ها حتا اگر زیر نام‌های متفاوتی فعالیت داشته باشند ولی بدون هیچ تردیدی به یک دستگاه واحد رهبری و مدیریت وصل‌اند. چگونه

می‌شود بیست گروه که همه داعیه‌های یکسانی دارند، جدا از هم وارد صحنه شده باشند و هیچ تقابلی میان‌شان صورت نگیرد؟ افغانستان چنان جغرافیای بزرگی نیست که بتواند در خون خود چند کس را که مدعی قدرت اند، جای دهد. این گروه‌ها و افراد زمانی در این جغرافیا می‌توانند حضور پیدا کنند که به صورت پیکری واحد عمل کنند. داعش و طالبان و شبکه حقایق و هر گروه دیگری دقیقاً یکی‌اند و هیچ تفاوت دیدگاه و روشی در کار خود ندارند.

نکته سوم

پس از انجام هر جنایتی از این دست، سوال‌های جدی در مورد این‌که جنایت‌کاران چگونه تا محل حادثه خود را رسانده‌اند، مطرح می‌شود. در حادثه روز چهارشنبه نیز پرسش‌هایی از آن دست مطرح‌اند که هنوز از سوی مسوولان امنیتی پاسخ نیافته‌اند. یکی از مسوولان امنیتی محل، به یکی از رسانه‌ها توضیحات جالبی ارائه کرد. او گفت که به هیچ صورت امکان ندارد جنایت‌کاران از راه مستقیم و معمول وارد این شفاخانه شده باشند. او این سخنان را با قاطعیت مطرح کرد و شرایط منطقه و محل نیز بر آن مهر تأیید می‌گذارد. اما جالب این‌جاست که مسوولان رده بالای امنیتی و استخباراتی که مسوولیت اصلی جلوگیری از این‌گونه حوادث را دارند، چند روز بعد از حادثه با سیمای‌ها بشاش و افتخارآمیز در رسانه‌ها ظاهر می‌شوند و ادعا می‌کنند که قبلاً از این حادثه اطلاعاتی در اختیارشان قرار داشته و بعداً با جزئیات کامل طراحان و محل طراحی جنایت را که همواره آن سوی مرز است، افشا می‌کنند. نمی‌دانیم که این‌همه اطلاعات چرا پس از وقوع حوادث به دست مسوولان امنیتی و استخباراتی می‌افتد؟

نکته چهارم

واکنش مقام‌های بلندپایه کشور نیز به چنین حوادثی اگر مضحک نباشد، به‌شدت تأثیرآور

است. رییس‌جمهوری که در همان ساعات اولیه جنایت روز چهارشنبه در یک برنامه گرامی‌داشت از هشتم مارچ صحبت می‌کرد، در سخنانی گفت که «در هیچ دین، مذهب و آیینی، حمله به شفاخانه جواز ندارد. حمله به شفاخانه چهارصد بستر، حمله به کل زنان افغانستان است». آیا سخنانی از این دست در تقبیح یک جنایت به آن هولناکی، زیبنده فرد اول مملکت بوده می‌تواند؟ سخنگوی یک مقام دیگر پس از حمله به شفاخانه گفت که «این حمله، ضعف و ناتوانی گروه‌های مسلح مخالف» را نشان می‌دهد. آیا واقعاً باید باور کنیم که حمله به شفاخانه چهارصد بستر و حمله‌های مشابه آن، ناشی از ضعف و ناتوانی است؟

شاید بیشتر از آن‌که انجام چنین حمله‌هایی، ضعف و ناتوانی گروه‌های جنایت‌کار در رویارویی با نظامیان کشور را نشان دهد، ضعف و ناتوانی مدیران امنیتی کشور را بازگو می‌کند. مسوولان امنیتی چه انتظاری از گروه‌های جنایت‌کار دارند؟ آیا آن‌ها انتظار دارند که گروه‌های جنایت‌کار بیایند و با آن‌ها اعلام جنگ رویاروی را مثلاً در دشت بکوا بدهند، تا آن‌ها نیز با توپ و تانک و راکت خود به مصاف آن‌ها بروند؟ آیا چنین خواستی بسیار ناشیانه نمی‌نماید؟ تصور کنید که اگر گروه‌های جنایت‌کار - مثلاً گروه طالبان تحت رهبری ملا هیبت‌الله آخوند - امکانات مالی و نظامی دولت را در اختیار می‌داشتند، چه بر سر این نظام می‌آمد؟ آیا آنوقت آقای غنی توان مقابله یک‌ساعته با این گروه را می‌داشت؟

به نظر می‌رسد که مسوولان رده‌بالای کشور که خود را در حصارهای نظامی و سنگی حبس کرده‌اند، هنوز طعم تلخ جنگ را به‌درستی نچشیده‌اند که چنین سخنانی ارائه می‌کنند. واقعاً اگر این دولت، یک دولت پاسخ‌گوست، باید به دنبال حادثه روز چهارشنبه، از مسوولان امنیتی و استخباراتی کشور بازخواست درست و مبتنی بر مسوولیت‌های‌شان صورت می‌گرفت.





پایتخت کابوس

این روزها تنها حملات تروریستی نیست که آرامش شهریان کابل را گرفته است. بلکه آدم ربایی، اخاذی و سرقت نیز خواب آرام را از چشم بسیاری مردم به خصوص صرافان ربوده است.

کبودی، خون گره کردگی و چاپ زنجیر مدت هاست که از بدن حاجی غلام زایل شده است، اما ضربه روانی اختطاف یک ماهه او بر چهره اش مشهود است. او یکی از ده‌ها قربانی جنایت خشونتباری است که دامگیر پایتخت افغانستان شده است.

در حالی که اختطاف نسبتاً نادر خارجی‌ها از عناوین رسانه‌های بین‌المللی فرو می‌افتد، موج تکان‌دهنده اختطاف شهروندان عادی مانند حاجی غلام آفت پنهان پایتخت است.

پولیس افغانستان که پیشاپیش پایش به جهات جنگی متعدد شورشیان کشانده شده است، در حال مبارزه برای لجام زدن بر حلقه‌های اختطاف‌کننده است که نه تنها ثروتمندان را هدف قرار می‌دهند بل که هر کسی را که به نظر پولدار برسد، به دام می‌اندازند.

حاجی غلام ۵۳ ساله که یک صراف است، با لکنت زبان و در حالی که صورت و لب‌هایش می‌لرزد می‌گوید: «در یک روز سرد بهار سال گذشته در حالی که همراه با پسر و پسر کاکایم با موتر از کار به سوی خانه می‌رفتیم، توسط دو موتر افراد مسلح که یونیفورم نظامی داشتند، متوقف ساخته شدیم.»

او در خانه‌اش به خبرگزاری فرانس پرس گفت: «من فکر می‌کردم که آن‌ها ماموران پولیس اند، اما آن‌ها پسر و پسر کاکایمرا لت و کوب کردند و مرا به موترشان انداختند. چشمان من بسته بود، سیلی می‌خوردم و مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتم. آن‌ها یک ساعت به رانندگی ادامه دادند و مرا در یک چاه تنگ انداختند.»

آدم ربایانش او را شکنجه کردند و

به نظر می‌رسد که حلقه‌های اختطاف‌کننده از عدم امنیت فراینده به دلیل مصروفیت پولیس در مبارزه با طالبان، داعش و سایر گروه‌های جنگجو، سوءاستفاده می‌کنند.

پولیس تازه کار و کمتر مجهز در مبارزه موثر علیه جرایم با دشواری مواجه است که این جرایم و بی بندوباری خود در افزایش بی سابقه مهاجرت افغان‌ها به سوی اروپا کمک کرده است.

حاجی زیرک، سخنگوی صرافان در سرای شاهزاده واقع در مرکز کابل به فرانس پرس گفت: «علاوه بر تهدید بمب‌گذاری، این شهر پر از اختطاف‌کنندگان و اخاذان است.» او گفت: «به این دلیل تجارت نزول کرده است و بسیاری مردم از کشور فرار می‌کنند.» زیرک افزود که در سال گذشته حدود ۱۰۰ تن از صرافان اختطاف شده‌اند.

در یک قضیه تکان‌دهنده دیگر در کابل، اخیراً افراد مسلح بعد از متوقف ساختن موتر یک صراف، ۱،۲ میلیون دالر وی را به سرقت بردند. وقتی که صراف مذکور این موضوع را به رئیس جمهور غنی عارض شد، پولیسیک دار و دسته جنایتکار را بازداشت نمود که گفته می‌شود که در عقب این مسأله قرار دارد، اما به گفته حاجی زیرک، این پول هنوز به دست نیامده است.

مقامات می‌گویند که دار و دسته‌های جنایتکار غالباً فرد اختطاف شده و به خصوص خارجی‌ها را به گروه‌های شورشی با قیمت بلندتر می‌فروشند و آن‌ها ایشان را به مناطق بی‌قانون هم مرز با پاکستان انتقال می‌دهند.

اما پولیس با استناد به دستگیر کردن ۳۰۰۰ جنایتکار به شمول ۱۶ اختطاف‌کننده، تاکید می‌نماید که سرکوب شروع شده است.

عبدالرحمان رحیمی، که به تازه‌گیرمانده‌های پولیس کابل تبدیل شده است، می‌گوید که «افزایش بسیار اساسی در جرایم به وجود آمده است، اما ما در مبارزه علیه آن پیشرفت کرده ایم.»

او علاوه نمود که «ما هر اختطاف‌کننده‌ی را به دام می‌ندازیم.»

پس از آنکه اقتصاد افغانستان برای چندین سال با میلیاردها دالر تقویت گردید، پول دهندگان بین‌المللی حکومت افغانستان را ترغیب نمودند که از وابستگی اش به کمک‌های خارجی بکاهد. اما آن تلاش‌ها به علت افزایش جرایم خشی گردیدند و سرمایه‌گذاران را مجبور به فرار گردانید.

صیام الدین پسرلی، سخنگوی اتاق تجارت و صنایع به فرانس پرس گفت: «سرمایه‌گذاری در افغانستان به دلیل عدم امنیت و اختطاف در حال کاهش است.»

ناتوانی حکومت در در مهار زدن به اختطاف بسیاری را مانند حاجی غلام برانگیخته است تا دچار این شک و تردید گردند که برخی از جنایتکاران با مقامات امنیتی هم‌دست می‌باشند.

او افزود: «هرگاه حکومت افغانستان نمی‌تواند مانع حملات شورشیان گردد، دست کم می‌تواند خود را متمرکز به مبارزه علیه جرایم سازد.»

در مراسم سالروز درگذشت استاد مزاری مطرح شد: حکومت به بن بست خورده است

برخی چهره‌های سیاسی در مراسم گرامی‌داشت از شهادت عبدالعلی مزاری در کابل می‌گویند که حکومت وحدت ملی افغانستان به بن بست خورده است.

آن‌ها می‌افزایند که دولت باید برای تأمین صلح و ثبات در کشور لویه جرگه را برگزار کند. روز جمعه بیست دومین سالگرد شهادت عبدالعلی مزاری با حضور احزاب سیاسی و مقام‌های حکومتی و هزاران شهروند در کابل برگزار شد.

در این مراسم، محمدکریم خلیل معاون پیشین ریاست جمهوری با یادبود از کارنامه‌های شهید مزاری تاکید کرد که مردم افغانستان هر روز در خاک و خون کشانده شده و ناامنی‌ها به اوج رسیده است که این وضعیت برای ملت غیرقابل تحمل شده است.

آقای خلیلی افزود: برای عبور از این بحران نیاز است که حکومت و مردم افغانستان برای رسیدن به یک مکانیزم مشخص به توافق برسند در غیر آن هیچ کشوری افغانستان را در راستای صلح و ثبات همکاری نخواهد کرد.

وی عنوان کرد که باید جنگ در افغانستان خاتمه یابد و همگان یکصدا فریاد بلند کنند مردم افغانستان هرگز به گذشته‌ها بر نخواهند گشت.

معاون پیشین ریاست جمهوری تاکید کرد که در این شرایط نیاز است تا حرکت ملی و مردمی در سراسر کشور راه اندازی شود، اگر جامعه جهانی این حرکت مردمی حمایت و پشتیبانی می‌کند خوب خواهد بود و در غیر آن، ملت و دولت به یک راهبرد مشخص برای عبور از این بحران دست یابند.

از سویی هم، عمر داوودزی رییس کمیسیون روابط بین‌الملل شورای حراست و ثبات افغانستان در این مراسم گفت که در شرایط کنونی وحدت اقوام افغانستان بهترین گزینه برای شکست دشمنان مردم افغانستان خواهد بود.

وی افزود که وضعیت ناامنی‌ها در سراسر کشور به شکل بی

سابقه ای افزایش یافته است و حکومت نه در عرصه جنگ و نه در عرصه گفتگوهای صلح دست‌آوردی نداشته و هر دو به بن بست رسیده است.

رییس کمیسیون روابط بین‌الملل شورای حراست و ثبات خاطر نشان کرد که شورای عالی صلح با آن که شش سال از فعالیت‌هایش می‌گذرد که هرگونه تلاشی را برای گفتگوهای صلح انجام داد اما نتیجه‌ای را در پی نداشته است.

وی به صراحت عنوان کرد که اکنون شورای عالی صلح نتیجه‌ای ندارد پس لازم است تا حکومت افغانستان از طریق برگزاری لویه جرگه به ملت افغانستان مراجعه کند تا راه حل بنیادی برای ختم جنگ در کشور جستجو شود.

در همین حال، سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری در خصوص کارکردهای حکومت وحدت ملی اشاره نمود که حکومت در دو سال اخیر در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی گام‌های استوار برداشته است.

معاون دوم ریاست جمهوری هرچند چالش‌های کنونی را در برابر حکومت می‌پذیرد اما تاکید دارد که دشمنان مردم افغانستان برای حذف اقوام برخاسته است و لذا برای جلوگیری از این اهداف دشمنان این ملت، نیاز است که همه‌گان روحیه وحدت ملی را پیشه قرار دهند.

آقای دانش در خصوص توزیع تذکره‌های الکترونیکی و برگزاری انتخابات تاکید کرد که در آینده نزدیک تذکره‌های الکترونیکی توزیع گردیده و انتخابات پارلمانی در سال جدید خورشیدی برگزار خواهد شد.

این در حالی است که رییس جمهور غنی در پیامی به مناسبت شهادت عبدالعلی مزاری گفته است که با انجام حملات تروریستی اخیر در پایتخت، دیگر هیچ ابهامی از مبارزه در برابر ترویزم وجود ندارد و مردم افغانستان با حفظ دست‌آوردهای سال‌های گذشته، هرگز به عقب برگشت نخواهند کرد.



دولت افغانستان طالب نیست!

سخنی در حمایت از خدمات مکاتب افغان - ترک

شمس آریا



گفته می‌شود که بنا به خواست ترکیه، افغانستان اداره مکاتب‌های افغان - ترک را به دولت ترکیه می‌سپارد. این خبر برای مردم افغانستان حتماً اگر راست هم باشد، غیرقابل باور است. آیا در افغانستانی که تعلیم و تربیه در آن نوش داروست، کسی حاضر خواهد شد موفق‌ترین نهادهای تعلیمی و تربیتی را دگرگون سازد و در مسیر بسته شدن و زوال سوق دهد؟! می‌گویند دولت ترکیه ۵ میلیون دالر سرمایه‌گذاری می‌کند. آیا این واقعیت دارد؟ اگر واقعاً ۵ میلیون دالر به معارف افغانستان کمک می‌کند، فی‌ها: تمام ملک ترکستان میدان سلطان سنجر است! بفرمایند در هر گوشه که خواسته باشند، افغانستان آماده است که مکتب بسازند، ترمیم کنند و مکتب‌هایی را هم اداره و رهبری. اما اگر چنین نمی‌کنند، معلوم است غرضی در کار است. گذشته از این، سرمایه‌گذاری موسسه «خدمت» در هر موسسه و مکتب بیشتر از ۵ میلیون است. آیا دولت‌مردان افغانستان حاضر خواهند شد به خاطر ۵ میلیون نسیه، ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نقد را از دست بدهند؟ سیر ارتقای معارف و معرفت را در افغانستان سد شود و موفق‌ترین مکتب‌ها را که در خدمت فرزندان افغانستان است و فقط و فقط برای فرزند افغانستانی خدمت می‌کند، ببندد؟

چند ملاحظه را توجه فرمایید:

نیازهای ما:

- افغانستان جداً به مکتب و کمک در عرصه معارف نیازمند است و نهاد «خدمت» در سخت‌ترین شرایط در این عرصه در کنار مردم افغانستان بوده است.
- مکتب‌های افغان - ترک مطابق پروتکل بین وزرات معارف افغانستان و موسسه مستقل خدمت فعال گردیده و این نهاد، میلیون‌ها افغانی در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده است.
- مکتب‌های افغان ترک، موفق‌ترین مکاتب نه‌تنها در سطح افغانستان، که در منطقه و جهان است و خوشبختانه افغانستان از این امکانات - هرچند به پیمانۀ محدود - بهره‌ور می‌باشد.
- مکتب‌های افغان ترک در افغانستان معیار برتر و بلندی را در عرصه آموزش شاگردان و مکتب‌داری ارایه کرده که می‌تواند مدل خوبی برای افغانستان باشد.
- مکاتب افغان ترک، تربیت عالی را با تعلیم یک‌جا ساخته است؛ به گونه‌ی بی‌شک و در وجود

- گذشته از همه، موسسه خدمت با صداقت و ظرفیتی که دارد، در ۱۷۰ کشور دنیا مکتب ساخته است. کشور ترکیه بفرماید مکاتب خدمت را در آن کشورها که معارف برتر دارند تصاحب کند، بعد به افغانستان بیاورد. ما که ویران ویران هستیم و سال‌ها گرفتار مکتب‌سوزی و تخریب معارف، چگونه جرأت می‌کنیم از اولین کسانی باشیم که دروازه‌های معارف را بر فرزندان خود ببندیم. مگر ما طالب هستیم؟ شاهد هستید که از هندو و یهود و نصارا می‌خواهیم بیایند و مکتب بسازند. اکنون چگونه ممکن است که مکتب‌های ساخته‌شده و موفق را بسته کنیم؟
- ترکیه ظرفیت و نیت فعال‌سازی این مکاتب را ندارد. مسأله سیاسی است و بعد از اندک زمانی، این مکاتب بسته می‌گردند. این یک امر قطعی و شبهه‌ناپذیر است.
- تخریب مکاتب افغان ترک به نام تعویض مدیریت مکتب، خیانتی است که ملت افغانستان مجریان آن را نخواهد بخشید و حسن نیت و روابط نیکوی ملت ما با برادران ترک که ما را از معرفت و دانش دور می‌سازند نیز لطمه خواهد یافت.
- این مکاتب همان‌گونه که از نامش پیداست، مکاتب افغان - ترک است... در مدیریت آن نیز بیش از ۵۰ درصد افغانستانی‌ها حضور دارند. در ایجاد و اعمار آن، وزارت معارف افغانستان سهم است. چگونه می‌شود دولت ترکیه بیاورد از وزارت معارف افغانستان نیز نماینده‌گی کند؟
- انجام این عمل، احتمالاً اعتراضاتی را در پی خواهد آورد. به این مکتب که مردم را آگاهانه راغب و شایق مکتب ساخته است، تمام نخبه‌گان و قشر تحصیل‌کرده و با معرفت افغانستان به دیده قدر می‌نگرند و از «خدمت» برای این خدمت سپاسگزارند. شاید برای اولین بار در افغانستان ببینید که مردم برای کسب معرفت و دانایی به خیابان‌ها برآیند و یخن دولت را بگیرند که «چرا ما را از آموزش محروم کردی؟»
- سخن آخر بازم این‌که: اگر ترکیه در ۱۷۰ کشور این مکاتب را تصاحب کرد، آن وقت می‌تواند با افغانستان تشنه معرفت نیز در این‌باره صحبت کند. قبل از آن، هیچ انسانی این بدنامی همیشه‌گی را کمایی نخواهد کرد و به بسته شدن این مکاتب به نام تعویض مدیریت، رضایت نخواهد داد!

این کشور فعالیت را آغاز نموده است. یک دولت قانون‌مدار، حق ندارد خلاف قرارداد خود عمل کند.
- خدمت، خدمات عالی را به افغانستان تقدیم نموده است که باید تقدیر و تشویق به توسعه شود.
- هیچ نوع تخلفی از این نهاد سر نزده است.
- میلیون‌ها افغانی در بناهای مکاتب افغانستان سرمایه‌گذاری نموده است.
- خدمت یک انجمن است و مربوط دولت ترکیه نیست. دولت افغانستان قانوناً صلاحیت ندارد اموال یک نهاد را به کسی دیگر تسلیم دهد. این امر می‌تواند بازخواست و عدالت قانون را در پی آورد.
- دولت ترکیه قانوناً حق تصاحب این مکاتب را ندارد.
- ترکیه ظرفیت اداره این مکاتب را با معیارهای موجود ندارد. همچنان که در ترکیه دولت ترکیه یک نمونه از این‌گونه مکاتب را ندارد.
- در ترکیه سطح تربیه مکاتب، معیار برتری را نشان نمی‌دهد. بر اساس گزارش مراکز بین‌المللی، استفاده از سگرت بین شاگردان ترکیه به ۵۰ درصد می‌رسد و میزان مکتب‌گریزی نیز به مرز ۵۰ درصد رسیده است. ما که خود وضعیت بهتری نداریم، با مدیریت ایشان چه خواهیم شد!
- در سطح جهانی روشن است که مداخله در امور مکتب‌های خدمت، یک مسأله سیاسی است، نه خدمت به معرفت و معارف در افغانستان.
- در ترکیه ستیز با مکتب‌های خدمت و معلمین هویداست. همین اکنون ۷۰ هزار معلم زندانی‌اند و یا وظیفه‌شان در حالت تعلیق قرار گرفته است.
- اگر ترکیه خواهان همکاری در عرصه معارف است، در هر ولایت یک مکتب در خدمت ایشان گذاشته شود. معارف ما ۴۰ سال زیر ضربه است، ما از کمک و فعالیت آن‌ها و هر کمک دیگر استقبال می‌کنیم.
- یک مکتب کاملاً فعال افغانی را به ترکیه بسپارید؛ اگر به اندازه ۲۰ درصد خدمت، موفقیت حاصل کرد، آن‌گاه همه مکاتب خدمت را تصاحب کند.
- میلیون‌ها دالر پول خدمت برای کتاب، اثاثیه مکتب، میز و چوکی و ساختمان، مصرف گردیده است. چه کسی می‌تواند این مبالغ را پرداخت نماید؟

این مکتب‌ها، نام وزارت تعلیم و تربیه ما، اسمی باسما یعنی وزارت تعلیم و وزارت تربیه گردیده است.
- نسل تربیت‌یافته در مکاتب افغان ترک، در حال تبدیل شدن به نسل برتر مدیران جامعه امروز ما اند.
- کار و فعالیت خدمت در افغانستان، تنها مکتب نیست. این نهاد سطح معرفت را در جامعه افغانستان دگرگون ساخته است. تمام دانشجویان موفق امتحان کانسکور کشور، فارغان مکتب‌ها و یا مراکز آمادگی کانسکور افغان ترک اند. در تمام شهرهای بزرگ افغانستان مراکز آمادگی کانسکور، توسط نهاد خدمت به‌راه انداخته شده که شاگردان افغانستان در یک سال، آموزش ۱۲ ساله خود را در آنجا تکرار می‌کنند و از شاگردان پیروز دانشگاه می‌گردند.
- تقریباً ۸۰ درصد کسانی که در بورس‌های کشورهای خارجی موفق می‌گردند، فارغان مکاتب و یا تربیت‌یافته‌گان نهادهای آموزشی خدمت اند.
- مکاتب خدمت، موفق‌ترین مکاتب در سطح جهان است که جهان شاهد آنست.
مشکلات فراره این تصمیم:
- خدمت بر اساس یک قرارداد با وزارت معارف کشور و با اجازه دولت افغانستان در



آرین آرون

«آدمی در جنگ تغییر نمی‌کند، آدمی پس از جنگ تغییر می‌کند...»

در جنگ همواره یک‌طرف بیشتر قربانی می‌شود. این مسأله بی‌ست که نمی‌شود آن را به‌ساده‌گی کنار گذاشت. اما زمانی که کشوری بالای کشوری دیگر حمله می‌کند و سرباز می‌فرستد، خودش به‌خودی خود گویای همه چی است و جای شکی نمی‌ماند که قاتل چه کسانی هستند و قربانی چه کسانی. این مسأله در خصوص جنگی که ده سال در افغانستان طول کشید - جنگ شوروی در افغانستان - و به مرگ، معلولیت و مهاجرت صدها هزار تن انجامید و با در نظر گرفتن آمار قربانی‌ها و آسیب‌ها، روشن‌تر می‌سازد که قربانی «ما» بوده‌ایم. اما گاهی می‌شود دگرگونه هم دید و وقتی پای صحبت کسانی که عاملین قربانی می‌پنداریم‌شان بنشینیم، می‌بینیم که از جنگ کسی قهرمان بر نمی‌گردد و وقتی بیشتر به عمق مسأله برویم، می‌بینیم که خیلی‌هایی که قاتل می‌پنداشتیم هم، به نحوی قربانی بوده‌اند. این چیزی است که در کتاب تابوت‌های رویین می‌توان آن را حس کرد. و بخواهی نخواهی، یک‌باره وقتی پای صحبت این افراد می‌نشینیم، می‌بینیم که اکثر عاملین قربانی، خود نیز قربانی بوده‌اند. این جاست که پرسش پیچیده‌تر می‌شود که اگر کسانی را که ما عامل می‌دانیم، خود را قربانی می‌شمارند، پس عامل چه کسانی هستند؟ این مسأله بی‌ست که در کنار جنگ که موضوع اصلی رمان تابوت‌هایی رویین را شکل داده، خودش را در ذهن مخاطب جا می‌دهد. اما با خواندن بیشتر، بخواهی نخواهی، بخشی از پاسخ خود را نیز می‌گیریم.

اما برای خواندن یک رمان، نخستین مورد گذشته از همه موارد دیگر، چگونه‌گی ایجاد رابطه با متن است. اگر یک رمان به زبانی دیگر نوشته شده باشد، مرحله نخست همان بخش ارتباط با زبان دوم است. این ارتباط اما زمانی راحت‌تر برقرار می‌شود که ببینیم چقدر خوب است که می‌توانیم یک رمان را با همان زبانی که می‌گوییم و می‌شنویم، بخوانیم. و زیبایی آن اما زمانی بیشتر می‌شود که با گویش رایج در محدوده جغرافیایی زبانی مان، چیزی که همه‌روزه در دور و برمان با آن سر و کار داریم، بخوانیم.

در مورد ترجمه در کل، گفته‌های زیادی وجود دارد. برخی آن را همان «بازآفرینی یک اثر در دل یک زبان دیگر» می‌خوانند و برخی آن را همچون پل ریکور: «رساندن خواننده به مولف و رساندن مولف به خواننده» می‌دانند. برخی هم می‌گویند باید یک ارتباط میان مخاطب زبان برگردان‌شده اثر، آن‌هم با حفظ معنا و ظاهر و باطن، و متن اصلی ایجاد شود. از سوی دیگر، می‌دانیم که گذشته از این دو تعریف، همزمان با آن رسالتی هم خود مترجم دارد و آن در نظر گرفتن همه جوانب معنای متن و انتقال آن به مخاطب است. اگر از ساده‌ترین تعریف، پیاده کردن یک زبان در زبان دیگر، هم بگذریم، می‌دانیم اکثر زبان‌ها نمی‌توانند به‌ساده‌گی در دل یکدیگر حل شوند و حالا چه برسد به این که معنای آن را هم با این همه «کش و فش» حفظ کرد و بازآفرینی نمود.

یک اثر زمانی که به‌وجود می‌آید، مرتبط به یک حوزه زبانی خاص و فرهنگ خاص می‌باشد و این جاست که مترجم را دست و پایسته‌تر هم می‌سازد. برای همین باید در نظر داشته باشیم که کار ترجمه دشوارتر از آن چیزی است که ما تصور می‌کنیم. اما در کتاب تابوت‌های رویین، آن‌چه که بیشتر مخاطب را با متن آشتی می‌دهد، همین شیوه کاربردی مترجم در انتخاب زبان ترجمه است که چیزی میان زبان گفتار و نوشتار زبان سومی

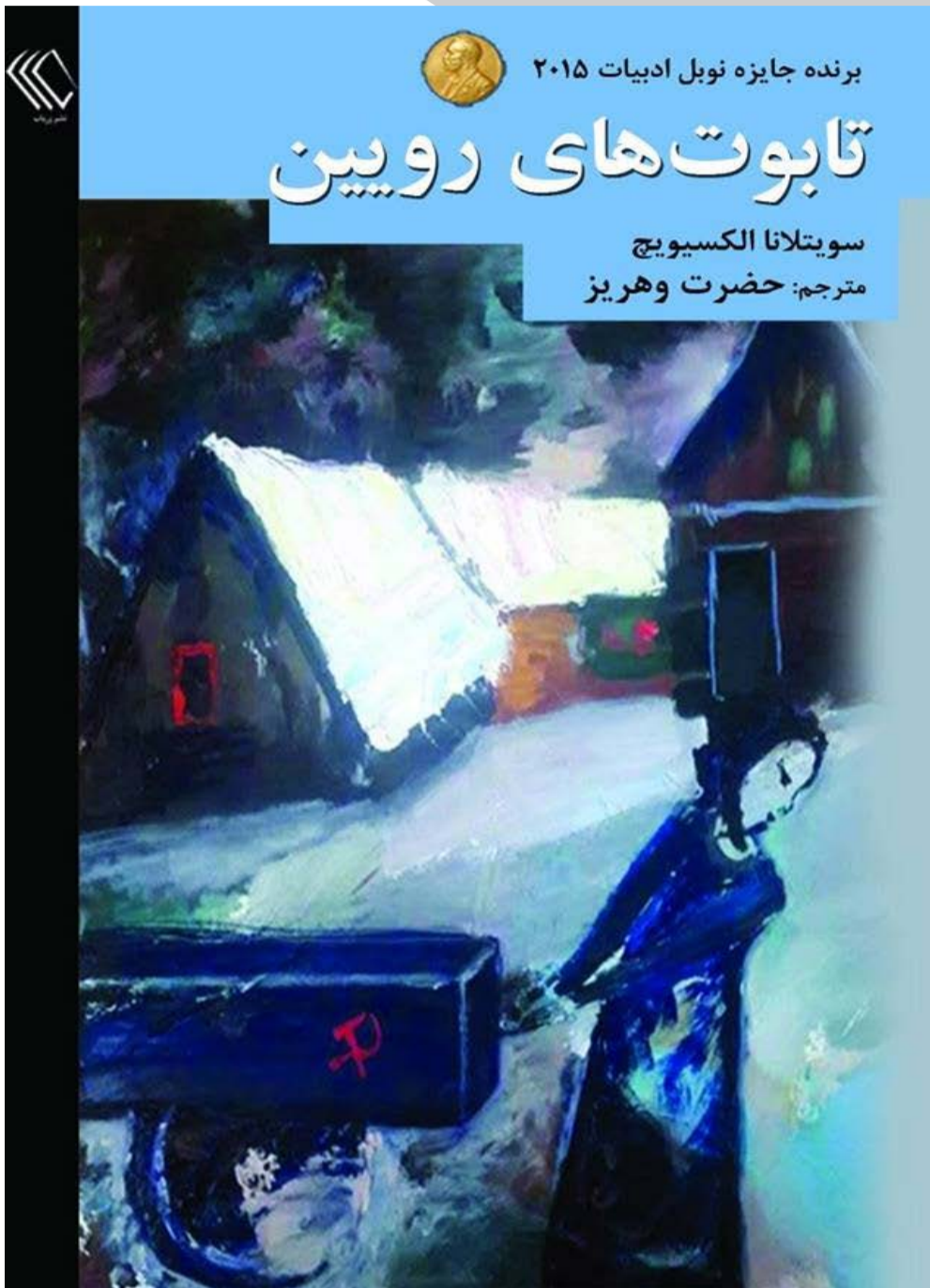
را برمی‌گزیند؛ یک زبان راحت‌تر آمیخته با گویش‌های رایج، و این شیوه در ترجمه کتاب، گاهی راه رفتن روی لبه تیغ را می‌ماند. پل ریکور در کتاب «درباره ترجمه» نقل قولی از آنتوان برمان نویسنده کتاب «ترجمه و جزء کلمه یا بی‌توتنه در دور دست» می‌آورد که می‌گوید: «مترجم در عرصه روانی، دو خاصیت متضاد دارد و می‌خواهد به هر دو طرف زور بگوید؛ زبان خودش را را مجبور به پذیرش بار اجنبی کند، زبان دیگری را مجبور به تبعید خودخواسته در زبان مادر خودش» که این مسأله در مورد اکثر ترجمه‌ها به‌خوبی صدق می‌کند. با این همه، تعریف و دیدگاه‌های گوناگونی که در مورد ترجمه آوردیم برای این است که بفهمیم ترجمه کاری دشوار است و زمانی که مترجم با این همه دشواری که پیش رویش قرار دارد، اثری را به این خوبی برگردان می‌کند، کارش قابل قدر است. آن‌هم از کتابی که حاوی روایتی است که مسیر افغانستان را تغییر داد. چیزی که واقعا نیاز بود به مخاطبان افغانستانی‌اش هم رسانده شود و از این زاویه هم به آن نگاه شود.

هر نویسنده‌ی در اثرش، گذشته از پرداختن به تمام عناصر داستان، به یکی از عناصرش بیشتر توجه می‌کند. یکی روی دیالوگ‌ها، دیگری روی توصیف و یکی هم تمام تلاشش را می‌کند که با استفاده از کلمات

ملموس‌تر، موضوع و درون‌مایه داستان را برجسته‌تر بسازد. کاری که در تابوت‌های رویین، سویتلانا آکسیویچ می‌کند و بیشتر تمرکز روی برجسته‌سازی موضوع رمانش که همان جنگ شوروی در افغانستان است، می‌کند. می‌دانیم سوای از یک شهروند افغانستان هیچ‌کسی این‌گونه در دل این جنگی که در این کتاب روایت شده، آشنا نیست و هیچ‌کسی هم از آسیب آن، آن‌گونه که ما خبر داریم، خبر ندارد. از سوی دیگر، ما واقعا نیاز به آگاه شدن این‌گونه رویدادها داریم. آن‌هم رویدادی که افغانستان را در یک مسیر دیگر قرار داد. اما همواره آن‌چه که ما از این مسأله می‌دانستیم، موضوع آسیب‌هایی بود که خودمان دیده بودیم. این رمان اما

و در ذهن داریم. اما جنگ همواره دو طرف دارد و چنین است که وقتی به آن‌سو سر می‌زنیم، می‌بینم طرف دیگر آن‌هم کم از این وحشتناک‌تر نیست؛ به‌خصوص وقتی که کتاب تابوت‌های رویین نوشته سویتلانا آکسیویچ را ورق می‌زنیم. نویسنده در این رمان، پای گپ‌های شماری از سربازان برگشته از جنگ و یا خانواده‌های قربانیان جنگ، نشست و خاطرات آن‌ها را در قالب رمان گنجانیده و این پردازش اساسی آن است که دوباره لحظه‌به‌لحظه جنگ را از میان روایت می‌توانیم در ذهن خود تصویر کنیم.

وقتی در مورد جنگ می‌خوانیم، می‌دانیم که آن‌چه که



برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۵
تابوت‌های رویین

سویتلانا الکسیویچ
مترجم: حضرت وهریز

را از پشت یخن گرفت و وارد کتاب، وارد تاریخ کرد، باید «زمان را شکافت» و «روح را شکار کرد». و این شکافتن زمان و شکار کردن روح زمانی آشکار می‌شود که شما پای قصه‌های هر یک از شخصیت‌های این رمان می‌نشینید. و بعد همان پرسش است که چه کسی قربانی است و چه کسی عامل!

تمام شخصیت‌های این رمان کسانی هستند که در افغانستان حضور یافته بودند. چه خواسته و چه ناخواسته، کشته بودند. چه خواسته و چه ناخواسته شرور را هم می‌شود دید و ناشرور را هم. اما چه فرق می‌کند وقتی جنگ باشد و باید بکشی. بعد مسأله این است که در پایان چه چیزی از این جنگ به‌دست می‌آوری. پرسشی که حتا آن‌هایی که برای قهرمان شدن هم رفته‌اند، نمی‌توانند بپذیرند که قهرمان برگشته‌اند: "... نه از جنگ کسی قهرمان بر نمی‌گردد. نمی‌شود از آن جا قهرمان برگشت...!" نه این‌که قهرمان بر نمی‌گردند، حتا نمی‌توانند جنایتی که شاید خود چندان در انجام آن دست نداشته باشند هم گریبان‌شان را رها نمی‌کند. به قول یکی از شخصیت‌های رمان: «و این خاطره‌ی فراموش‌ناشدنی است: در شفاخانه، روی بستر پسرک افغانی خرسک عروسکی گذاشتم. او خرسک را با دندانش گرفت، با آن بازی می‌کرد و لبخند می‌زد، دست‌هایش نبودند. سخنان مادرش را برایشم ترجمه کردند: "روس‌های تو شلیک کردند. تو فرزند داری؟ پسر یا دختر؟" فهمیدم در سخنان او چه چیزی بیشتر بود - وحشت یا بخشایش؟»

و در مورد دیگری، پرستاری می‌خواهد به پیرزنی کمک کند و پسرز هم انگار می‌خواهد به او چیزی بگوید اما سرانجام متوجه می‌شود که پسرز در تلاش است تا به روی وی تف کند و این به خاطر آن است که او تمام اعضای خانواده‌اش را در بمباردمان روس‌ها از دست داده است.

در جنگ تمام تلاش شما همین است که باید زنده بمانید و این زنده ماندن، زمانی ممکن است که شما طرف را بکشید و این کشتن، چیزی است که بهای آن تا دم مرگ هم از ذهن شما و از زنده‌گی شما دست بر نمی‌دارد. این هم بخشی از گفته‌های سربازان این جنگ است و اعترافی که هم برای سرباز و هم مخاطب می‌کند که آن را می‌خواند، هر دو تلخ است.

ما از جنگ با شوروی، بنا بر روایتی، نزدیک به یک‌میلیون کشته و پنج میلیون معلول و آواره و مهاجر داریم و این فاجعه بزرگی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اما آن‌طرف جنگ هم کسانی بودند که کشته و معلول شدند، چه گناهکار چه بی‌گناه. مسلماً در جنگ این چیزها در نظر گرفته نمی‌شود، تنها شمار کشته‌ها و دو تاریخ از آن باقی می‌ماند. شاید خیلی‌ها به‌خاطر آسیب‌هایی که مردم افغانستان دیدند، این زاویه‌ی که نویسنده روس طرح کرده را نپسندند؛ چون جنگی که در آن این‌همه شهروند روس کشته و یا زخمی شده، به خاطر حضور خودشان و هجوم خودشان بوده. اما اکثراً همان‌گونه که گفتیم، میان عامل و قربانی باقی‌مانده‌اند. چون بیشترشان می‌گویند این کشته و کشته شدن به خاطر تصمیم نادرست کسانی بود که این جنگ را آغاز کردند. در این‌سو این‌همه کشته مانده که ما بارها خوانده‌ایم، و اما می‌خوانیم که آن‌سو هم برای مادری که فرزند بزرگ و قدبلندی داشته، تابوت نیمه قد فرزندش فرستاده‌اند که هر روز گریسته. دختری را می‌بینم که تنها خاطره‌اش از پدرش، عکس سیاه‌وسفید است. و مادر دیگر که هنوز هم تصور می‌کند که تابوت کس دیگری را به‌جای فرزندش به او فرستاده‌اند. زنی که برای شوهرش، همچنان داغ‌دار است. و زنان زیادی دیگری که همین‌گونه

هیچ کس از جنگ زنده برنمی‌گردد

نگاهی به کتاب «تابوت‌های رویین»

به پایان می‌رسد، تاریخ جنگ است نه خود جنگ. و جنگ حتا با آخرین آدمی که در آن اشتراک کرده و مرده هم به پایان نمی‌رسد.

از سوی دیگر، در خصوص رمان با مضمون جنگ، وضعیت طور دیگری است. شما با تاریخ سروکار ندارید، بلکه با برگ‌هایی از داستان سر و کار دارید. این چیزی است که با دست گرفتن کتاب داستان فکر می‌کنید. اما زمانی این مسأله ابعاد دیگرش را یکی یکی می‌گشاید و مهم‌تر از بُعد تاریخی ارزش پیدا می‌کند که بیابید تمام این رویدادهای داستان آن‌گونه که معمول است، زاده تخیل و تفکر نویسنده نه، بلکه واقعیت‌اند. این آدم‌هایی که در این قصه می‌میرند، همه‌کسانی اند که در جنگ واقعا مرده‌اند، این یک شخصیت خلق‌شده یک داستان نیست که نیم‌تنه‌اش را درون تابوت به خانواده‌اش می‌فرستند و نه هم آن‌طرف شخصیت داستانی که آن را تحویل می‌گیرد و گریه می‌کند. این روایت برای هرکسی که از آن جنگ یک برداشت دیگر دارد، معنای دیگری ایجاد می‌کند. چون روایت، روایت واقعی از یک برهه تاریخ است که به گفته سویتلانا آکسیویچ: «چگونه می‌شود هم‌زمان هم تاریخ را تجربه کرد و هم در موردش نوشت؟ نمی‌شود هرگونه از زنده‌گی را، تمام آن کثافت هستی - زیستی

می‌تواند دیدگاه خیلی‌ها را تغییر بدهد و شاید حتا به نسلی که هنوز این جنگ را با یک نگاه دیگر می‌دیدند، کمک کند تا اندکی دیدگاهش را تغییر و تلطیف بدهد. تابوت‌های رویین رمانی که بیانگر گفته‌های واقعی کسانی است که همان‌گونه که در بالا هم یاد کردم، هم عاملین یک جنگ هستند و هم قربانی آن. اما این برمی‌گردد به قضاوت خواننده که در پایان، به این افراد به‌خصوص کسانی که فقط دستوراتی را اجرا می‌کردند، با چه نگاهی می‌بینند. قربانی یا عاملین قربانی؟

جنگ همه‌چیزش وحشتناک است در این شکی نیست. اما همواره آن‌چه که به این پدیده پرداخته، زوایای گوناگون دو طرف یک قضیه بوده است. در جنگ افغانستان با شوروی سابق هم همین‌گونه است. همواره آن‌چه که ما از این جنگ گفته‌ایم و نشانی مانده؛ گورهای بی‌شمار، افراد معلول، مهاجرت و گم‌شده‌هایی‌اند که سال‌ها چشم خانواده‌های‌شان را به دروازه می‌خکوب نمودند. و بعد هم نابسامانی‌هایی که پس از آن به وجود آمد. اما این تمام آن چیزی که از جنگ می‌ماند نیست. می‌دانیم در این جنگ بودند مردمی که حتا تا نیمه خود را در گور گذاشتند. همه می‌دانیم در آن جنگ‌ها چه چیزهایی که از دست ندادیم، اما این یک طرف قضیه است. چیزی است که ما دیده‌ایم، خوانده‌ایم



وزارت صحت عامه با رد گزارش واچ لیست:

تلفات ناشی از بیماری سرخکان ۵ درصد کاهش یافته است

ابوبکر صدیق

مسوولان وزارت صحت عامه با رد گزارش سازمان موسوم به "واچ لیست" در مورد افزایش بیماری سرخکانمی گویند که این بیماری نسبت به سالهای گذشته کاهش قابل ملاحظه یافته است. نجیب الله صافی رییس طب وقایه‌ی وزارت صحت عامه در گفت‌وگو با روزنامه‌ماندگار با رد گزارش نهاد موسوم به "واچ لیست" می‌گوید: گزارش این سازمان اغراق‌آمیز است.

آقای صافی افزود که در سال ۲۰۱۶ واکسیناسیون دوره‌ کودکی به شمول واکسین بیماری سرخکان در ۶۰ درصد از کشور تطبیق شده است. اما، ۴۰ درصد دیگر از تطبیق این روند محروم مانده‌است. در برخی از ساحات ولایات دور دست واکسیناسیون نسبت‌بامنی، نبود کلینک و عدم علاقمندی خانواده‌ها به واکسین، باعث تطبیق نشدن روند واکسیناسیون شده است.

این درحالی است که سازمان موسوم به "واچ

باز می‌ماند، می‌گوید که در سال‌های که کمپاین آگاهی دهی از بیماری سرخکان و سایر بیماری‌های در ولایات صورت می‌گیرد، سهم گیری کودکان در واکسیناسیون بیشتر می‌باشد و واقعات این بیماری کمتر؛ اما کودکان تازه تولد شده که از این روند محروم می‌ماند، باعث افزایش واقعات این بیماری در قریه و قصبات می‌شود. آماری که از این بیماری در سال‌های گذشته ثبت شده به هزارها واقعه می‌رسد.

آقای صافی گفت که در قریه و قصبات چالش‌ها به کمک محاسن سفیدان و اهالی منطقه تا اندازه حل شده است؛ اما بازم این مشکلات وجود دارد. در برخی موارد خانواده‌ها حتی نمی‌گذارند که کودکانشان واکسین شوند، در ولایات شرق و جنوب شرق کشور که مهاجرانی پاکستان نیز حضور دارند، مراکز صحتی وجود دارد؛ اما پذیرش واکسیناسیون سرخکان و سایر واکسین‌ها از طرف خانواده‌ها کمتر است. بنا در این ساحات واقعات بیماری



بیشتر به نظر می‌رسد.

این مسوول وزارت صحت با اشاره به ناامنی و در ولایاتی که روند واکسیناسیون در آن تطبیق نشده است، گفت: ولایات شرقی و جنوب شرقی و در سال‌های اخیر ولایت کندز در شمال کشور از مناطقی‌اند که روند تطبیق واکسیناسیون در آن‌ها به چالش روبرو بوده و در حال حاضر نیز این چالش وجود دارد.

او بیان کرد که به‌خاطر حل مشکلات موجود معلومات را از طریق رسانه‌ها، عالمان دین و

لیست" گفته که بیش از یک میلیون کودک در افغانستان از سو تغذیه‌ حاد رنج می‌برند و این رقم ۴۰ درصد افزایش را نسبت به سال ۲۰۱۵ میلادی نشان می‌دهد. علاوه بر آن، امراض ساری افزایش یافته است و به گفته سازمان جهانی صحت، در سال ۲۰۱۵ میلادی، افغانستان شاهد ۱۶۹ واقعه سرخکان بوده که در مقایسه با سال ۲۰۱۴ میلادی ۱۴۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

اما، آقای صافی با بیان این‌که نسبت مشکلات در برخی از ولایات روند واکسیناسیون از تطبیق

سازمان ملل متحد:

اوضاع امنیتی افغانستان وخیم‌تر شده است



گزارش سازمان ملل در باره وضعیت افغانستان می‌گوید وخامت اوضاع امنیتی این کشور افزایش یافته است و نبرد میان نیروهای امنیتی افغانستان و گروه طالبان که در سال ۲۰۱۶ به اوج رسیده بود، در سال ۲۰۱۷ همچنان ادامه دارد.

سازمان ملل در تازه‌ترین گزارش خود گفته که وضعیت افغانستان در کل رو به وخامت بوده و این سازمان در جریانیک سال حدود ۲۴۰۰۰ رویداد امنیتی را ثبت کرده که این آمار، افزایش ۵ درصدی را نسبت به سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد.

در گزارش سازمان ملل همچنین آمده است در حالی که ۵۰ درصد از رویدادهای امنیتی در ۵ ولایت جنوبی و شرقی افغانستان رخ داده اما افزایش فعالیت‌های گروه طالبان در شمال و شمال شرقی افغانستان، نمایانگر گسترش جغرافیایی جنگ در افغانستان است.

به گفته سازمان ملل، نیروهای وابسته به گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) حضور خود را در ولایت‌های ننگرهار، کنر و نورستان حفظ

کرده‌اند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که باوجود عملیات پاکسازی نیروهای امنیتی افغانستان، نیروهای داعش دوباره به مناطق خود برگشته‌اند.

افراد مسلح وابسته به داعش چهارشنبه هفته گذشته (۱۸ حوت) به شفاخانه نظامی سردار محمد داوود/بیمارستان ۴۰۰ بستر در کابل حمله کردند که در این حمله ۳۰ نفر کشته و بیشتر

از ۵۰ نفر زخمی شده‌اند.

به اساس گزارش منتشر شده، نیروهای امنیتی افغانستان همچنان با چالش‌های قابل توجهی از جمله ظرفیت عملیاتی مواجه هستند.

سازمان ملل همچنین تصریح کرده که کاستی در زمینه‌های فرمان و کنترل، رهبری و تدارکات و نرخ فرسایش بالا، تاثیر قابل توجه بر روحیه استخدام و پایداری این نیروها داشته است.

احمدزی:

ننشنبه د چارواکو ناسته کپ به د انتخاباتو نېته معلومه شي



محاسن سفیدان در اختیار خانواده‌ها قرار می‌دهیم تا در روند تطبیق واکسیناسیون سهیم شوند. برای یافتن راه‌حل به این چالش‌ها پس از هر سه سال وزارت صحت عامه "کمپاین ملی قریه به قریه محور بیماری سرخکان" را راه‌اندازی می‌کند. آقای صافی با بیان این‌که با تلاش‌های صورت گرفته در عملی کردن طب وقایه‌ی در برخی از ساحات از مرگ و میر کودکان به شکل چشم‌گیری جلوگیری شده است، گفت: در سروری که اخیراً صورت گرفته کاهش قاب ملاحظه‌ی میرک و میر کودکان را نشان می‌دهد. در حالی که در سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ از هزار کودک زیر سن پنج‌سال ۲۵۷ کودک از بیماری سرخکان از بین می‌رفت. یعنی از هر ۴ کودک یک کودک از بین می‌رفت. اما، این رقم در حال حاضر به ۵۵ کودک رسیده که پنج برابر کاهش را نشان می‌دهد.

او گفت که در کاهش مرگ و میر کودکان و تطبیق واکسیناسیون دسترسی به رسانه‌ها و هم‌چنان، آگاهی دهی از طریق مکاتب و دانشگاه‌ها نقش مهمی داشته است.

پیش از این دکتر نورالحق یوسفزی رییس شفاخانه صحت طفل، از نبود امکانات و مراجعه بی‌حد کودکان بیمار به این بیمارستان که یگانه بیمارستان کمپلکس رسمی است و در هفت بخش اساسی مصروف تداوی کودکان است ابراز نگرانی کرده‌بود.

آقای یوسفزی گفته که مراجعه بیش از حد کودکان بیمار که روزانه به ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تن می‌رسد، از ظرفیت بیمارستان بیشتر بوده و روند تداوی کودکان را به مشکل مواجه کرده است.

هم‌چنان، کریستین موناگان، محقق در سازمان Watch List گفته که حملات هدفمند بر تاسیسات طبی، سیستم شکننده صحتی افغانستان را نابود کرده است و موجب شده است تا بسیاری از غیر نظامیان به مواظبت‌های حیاتی طبی دسترسی نداشته باشند.

به گفته موناگان، در نتیجه این حملات کودکان متاثر شده‌اند و "ما شاهد مرگ و میر، زخمیان بیشتر بوده ایم و بیماری نیز شیوع یافته است".

بر اساس این گزارش سازمان جهانی صحت، ۴.۶ میلیون نفر به شمول ۲.۳ میلیون کودک در سراسر افغانستان به مواظبت‌های جدی صحتی نیازمند هستند.

در همین حال، دفتر معاونت ملل متحد برای افغانستان با یوناما، گزارش داده است که تلفات کودکان در سال ۲۰۱۶ در مقایسه با سال ۲۰۱۵ در افغانستان ۲۴ درصد افزایش یافته است.

اما، سخنگوی در وزات دفاع حمله بر تاسیسات طبی از طرف نیروهای امنیتی را رد کرده گفته است که به استثنای حمله طیاره‌های امریکایی بر بیمارستانی در شهر کندز، "انان جای را نشان بدهند که بر مراکز صحتی حمله صورت گرفته است".

د افغانستان د انتخاباتو خپلواک کمپسیون مسؤلین وایي، د حکومت د مشرانو او د ملاتړ کوونکو بنسټونو له مسؤلینو سره د شنې ورځې ناسته کې به هڅه وکړي چې د ولسي جرگې او ولسوالیو د شوراگانو د راتلونکو انتخاباتو نېته معلومه کړي.

د دغه کمپسیون رئیس نجیب‌الله احمدزی د جمعې په ورځ ازادي راډیو ته وویل چې د راتلونکو انتخاباتو د ترسره کولو لپاره یې یو لړ بنیادي کارونه ترسره کړي او د نن ورځې ناسته کې به د انتخاباتو د نېټې په اړه پرېکړه وشي.

بناغلي احمدزي زیاته کړه: "د راتلونکو ټاکنو لپاره مجلس لرو، مور هڅه کوو چې د راتلونکو انتخاباتو نېټه د سبا غونډې نه معلوم شي، نو له هغه وروسته بیا دغه نېټه مور له نړیوالو او هېوادوالو سره شریکوو".

د افغانستان د انتخاباتو خپلواک کمپسیون د معلوماتو له مخې دغه ناسته کې به د ولسمشر محمد اشرف غني ترڅنګ، اجرائیه رئیس عبدالله عبدالله، د ولسمشر دویم مرستیال سرور دانش، د مالیې وزیر اکلیل حکیمي او د یو شمېر مرسته کوونکو هېوادونو سفیران شامل وي.

ټاکل شوې وه چې دغه ناسته د تېرې چهارشنبې په ورځ ترسره شوې وای خو کابل کې په سردار محمد داوود خان روغتون باندې د خونري برید له امله چې لسګونه کسان په کې مړه او ټپیان شول دغه ناسته د شنې ورځې ته وځنډول شوه.

دا په داسې حال کې ده چې څو ورځې وړاندې د شکایتونو کمپسیون ازادي راډیو ته ویلي، تر هغې چې انتخاباتي نظام کې بنسټیز اصلاحات رامنځته نه شي او د دغه بهیر پر وړاندې پرې ټخنیکي او مالي ستونزې لېرې نه شي د راتلونکو انتخاباتو شفافیت نه تضمینېږي.

د بنسټیزو اصلاحاتو راوستل، د رأی ورکوونکو د مرکزونو ټاکل، په وخت سره د انتخاباتو د لېسټ مشخص کول، د رأی ورکونې د کارتونو د برخلیک معلومول او د رأی ورکونې پروسه کې د شفافیت رامنځته کول هغه ستونزې او ننگونې دي چې د دغه کمپسیون ویاند ورته اشاره کړي.

په همدې حال کې د انتخاباتو څخه د څار یو شمېر بنسټونه بیا انتخاباتي سیستم کې په اصلاحاتو ټینګار کوي او د راتلونکو انتخاباتو لپاره د نېټټاکل له وخته مخکېږي.

د اکسینیا د انتخاباتو اړوند د مدني ټولني رئیس جانداد سپین غر د جمعې په ورځ ازادي راډیو ته وویل، تر هغې چې د انتخاباتو د ترسره کولو لپاره ځانګړی پلان موجود نه وي د نېټټاکل به خیالي وي او د انتخاباتو اعتماد ته به زیان ورسوي.

نوموړی وایي: "که دوی پلان نه لري، د اصلاحاتو پروګرام نه وي او د شفافیت تضمین او نور مسائل نه وي مشخص شوي او دوی راځي د انتخاباتو نېټه اعلانونو نو دا به واقعي نه وي او دا به د ولسمشر په ګډون د نړیوالټولنې او خلکو قناعت ترلاسه نه کړي".

بناغلي سپین غر وایي، د انتخاباتو کمپسیون باید یو ځانګړی پلان ولري چې هغه کې د اصلاحاتو ټول قدمونه او د انتخاباتو اړوند تخنیکي مسائل شامل وي چې د راتلونکو انتخاباتو شفافیت تضمین کړي.



فوتبال افغانستان ۵ پله سقوط کرد!

در تازه‌ترین رده‌بندی فیفا، افغانستان با ۵ پله سقوط کرد، در جایگاه ۱۵۶ جهان و ۲۸ آسیا قرار گرفت.

در جدیدترین رده‌بندی منتشر شده از سوی فیفا، آرژانتین به سان ماه‌های گذشته هم‌چنان با فاصله قابل توجه و ۱۶۴۴ امتیاز در صدر قرار دارد و برزیلی‌ها نیز بدون تغییر و با ۱۵۳۴ امتیاز جایگاه دوم را به خود اختصاص داده‌اند تا سلطه امریکای لاتین بر رده‌بندی فیفا هم‌چنان ادامه داشته باشد. در رتبه‌های بعدی آلمان، شیلی، بلژیک، فرانسه، کلمبیا، پرتغال، اروگوئه و اسپانیا قرار دارند و نکته جالب این‌جاست که رتبه هیچ کدام از ۱۰ تیم برتر رده‌بندی نسبت به ماه قبل تغییری پیدا نکرده است.

اما در آسیا، تیم ملی ایران با ۷۹۴ امتیاز، علی‌رغم یک پله سقوط و قرار گرفتن در رتبه سی‌وسوم، هم‌چنان با در رتبه اول تیم‌های آسیایی قرار دارد.

در رتبه دوم آسیا کوریای جنوبی با ۶۹۱ امتیاز و یک پله سقوط در رتبه چهارم قرار دارد. بعد از آن، جاپان ۶۳۱ امتیاز و یک رتبه صعود جایگاه پنجم و یک را به خود اختصاص داده و استرالیا و عربستان نیز در رتبه‌های پنجم و پنجم و هفت جهان قرار دارند.

اما افغانستان ماه گذشته با ۱۹۲ امتیاز در مقام ۱۱۵۱ ام بود، اما این امتیازها ماه جاری بدون هیچ بازی دوستانه یا جهانی به ۱۷۲ کاهش یافته است.

بر این اساس، تیم فوتبال کشور میان کشورهای آسیایی مقام ۲۸ ام را دارد و در میان کشورهای جنوب‌آسیا پس از هندوستان و مالدیو مقام سوم را از آن خود کرده است.

بورکینافاسو با ۴۲ امتیاز مثبت، سورینام با ۹ پله صعود، میانمار با ۳۰ امتیاز منفی و ۱۳ رتبه سقوط، بهترین‌های ماه آرم فبروری را در رنکینگ جهانی فیفا تشکیل داده‌اند.

با توجه به عدم برگزاری بازی‌های مهم در سراسر جهان، تغییر قابل توجهی در رده‌بندی صورت نگرفته، اما در ماه مارچ و با توجه به ازدیاد بازی‌های ملی و مقدماتی جام جهانی، ممکن است شاهد بروز تغییراتی در جدول فیفا باشیم.

تیم اطلس قهرمان رقابت‌های روز زن در کابل شد



تیم فوتسال اطلس در مسابقه پایانی رقابت‌های روز زن در کابل با پیروزی مقابل تیم آینده‌سازان، به مقام قهرمانی این رقابت‌ها دست یافت.

لازم به ذکر است که در دیدار رده‌بندی این رقابت‌ها نیز آشیانه در برابر عدالت قرار گرفت و در نهایت تیم فوتسال عدالت با نتیجه دوازده بر صفر پیروزی به دست آورد و مقام سوم را به خود اختصاص داد.

این رقابت‌ها با حضور هشت تیم فوتسال دختران در سالون فوتسال فدراسیون فوتبال افغانستان در کابل برگزار شد. فدراسیون فوتبال افغانستان هدف از برگزاری این رقابت‌ها را گرمی‌داشت از هشتم مارچ روز هم‌پسته‌گی زنان جهان اعلام کرده است.



رییس‌جمهور کوریای جنوبی رسماً از قدرت برکنار شد!

دادگاه قانون اساسی کوریای جنوبی پس از کشمکش چند ماهه در این کشور شرق آسیا، بالاخره پارک گئون‌های را به طور رسمی برکنار کرد.

پارک گئون‌های، رییس‌جمهور ۶۵ ساله کوریای جنوبی پیشتر در نهم دسامبر با رأی پارلمان از سمت خود معلق شده بود که این رأی به دادگاه قانون اساسی ارجاع داده شد تا در مورد او تصمیم نهایی گرفته شود. با برکناری پارک گئون‌های به عنوان اولین رییس‌جمهور کوریای جنوبی که از قدرت برکنار می‌شود، رییس‌جمهور جدید براساس قانون اساسی باید ظرف ۶۰ روز انتخاب شود.

پارک گئون‌های به اتهام سوءاستفاده از قدرت و فراهم کردن شرایط برای نزدیکان خود جهت انجام برخی معاملات و نیز دسترسی به اطلاعات، از سوی پارلمان برکنار شد.

روز گذشته نیز هزاران تن در سئول بار دیگر علیه پارک گئون‌های تظاهرات کردند و خواهان برکناری او شدند.

گئون‌های همچنین متهم است که از رییس مجموعه سامسونگ درخواست رشوه کرده تا او برای ادغام دو شرکت وابسته به سامسونگ، حمایت کند.

سازمان ملل: نیروهای دولتی میانمار مرتکب جنایت علیه بشریت شده‌اند

یک مقام ارشد سازمان ملل از ارتکاب "جنایت علیه بشریت" از سوی نیروهای امنیتی میانمار خبر داد.

یانگی لی، گزارش‌گر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور میانمار در مصاحبه‌ی گفت، به اعتقاد او، نیروهای دولتی میانمار در برخورد با اقلیت مسلمان روهینجا در استان راخین این کشور مرتکب اقداماتی مانند آزار مستمر، تجاوز جنسی و قتل شده‌اند و لازم است، دولت آن کشور و نهادهای بین‌المللی این موارد را پیگیری کنند. او خواستار آن شده که سازمان ملل یک هیأت تحقیق را برای بررسی این مسأله تعیین کند.

اقلیت قومی روهینجا با حدود یک میلیون جمعیت در میانمار عمدتاً در استان راخین در شمال این کشور سکونت دارند، اما دولت میانمار از به رسمیت شناختن آن‌ها به عنوان شهروندان این کشور خودداری می‌کند و در نتیجه، این گروه از حقوق سیاسی و مدنی و حمایت‌های رایج برای دیگر شهروندان میانمار که اکثر بودایی هستند، برخوردار نمی‌شوند.

یانگی لی رسماً از سازمان ملل خواست یک هیأت تحقیق را برای بررسی امکان ارتکاب جنایت علیه بشریت در راخین تعیین کند با این‌همه، این درخواست از حمایت کشورهای اروپایی برخوردار نشد و بعید به نظر می‌رسد که سازمان ملل آن را تصویب کند.

مقامات اروپایی، ضمن ابراز نگرانی در مورد نقض آشکار حقوق مسلمانان در میانمار این بهانه را مطرح کرده‌اند که تعیین چنین هیأتی می‌تواند موقعیت آنگ سان سوچی را در برابر نظامیان تضعیف کند و مانع از پیشبرد برنامه‌های او برای تحکیم دموکراسی در آن کشور شود.

انتشار گزارش سالانه چین درباره نقض حقوق بشر توسط امریکا

چین با انتشار یک گزارش سالانه، از نقض حقوق بشر در امریکا انتقاد کرده و به آنچه که «مشکلات حقوق بشری وحشت‌ناک» امریکا خوانده، اعتراض کرد. چین در گزارش انتقادی خود از وضعیت حقوق بشر امریکا به مواردی نظیر سرکوب‌گری وحشت‌ناک نیروهای پلیس، سطح بالای زندانی کردن افراد، تعصب نژادی و سیاست‌های مالی تبعیض‌آمیز اشاره کرده است.

این گزارش چین که از سوی دفتر اطلاع‌رسانی شورای چین منتشر شد، به نوعی پاسخی است به گزارش سالانه وزارت خارجه امریکا درباره وضعیت حقوق بشر در جهان که معمولاً با انتقاد از نقض حقوق بشر در چین همراه بوده است.

چین نیز به روال سال‌های گذشته در گزارش خود از امریکا به سبب این‌که خود را معیار قضاوت درباره وضعیت حقوق بشر در کشورهای دیگر خوانده و از مشکلات خود چشم‌پوشی می‌کند، انتقاد کرد.

در این گزارش با استناد به آمار و حقایق منتشر شده از سوی گروه‌های حقوق مدنی و رسانه‌های امریکایی از وخامت روابط نژادی در سال ۲۰۱۶ در امریکا انتقاد شده است.

این گزارش گفته است: "درحالی‌که صدای شلیک گلوله در گوش مردم در پشت مجسمه آزادی طنین‌انداز است، وخامت تبعیض نژادی و همچنین نمایش مضحک انتخاباتی تحت تأثیر سیاست‌های مالی در امریکا نشان می‌دهد که حقوق بشر در این کشور که خود را مدافع این حقوق می‌داند یک افسانه بیشتر نیست."

این گزارش مشخصاً به مواردی نظیر قتل آلتون استرلینگ و فیلاندو کاستیل دو سیاه پوست غیرمسلح اشاره دارد که به دست پولیس امریکا کشته شدند. در این گزارش به رفتار خشن‌تر نیروهای پولیس امریکا علیه رنگین‌پوستان به نسبت سفیدپوستان اشاره شده است و گفته شده که در زندان‌ها و در حوزه‌های شغلی و تحصیلی و از نظر سطح درآمد سیاه‌پوستان و لاتین تبارها در امریکا مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

هم‌چنین چین در این گزارش در بخش پایانی از نقض فاحش حقوق بشر در کشورهای دیگر از سوی امریکا اشاره کرده و به گزارش کشته شدن غیرنظامیان به دست ارتش امریکا در کشورهای مثل عراق و سوریه و افغانستان اشاره کرده است. هم‌چنین چین از واشنگتن به سبب تعطیل نکردن زندان گوانتانامو و همچنین جاسوسی الکترونیک از کشورهای دیگر و اتباع خارجی انتقاد کرد.

فیسبوک نامه

سیامک هروی



از دیروز که خواندم گلبدین حکمتیار صدوهژده جلد کتاب نوشته و قرار است به زودی این کتاب‌ها در کابل رونمایی شوند، در شوک به سر می‌برم. مگر ممکن است در پهلوی رهبری جنگ، انتحار، چور، غنیمت، چانه‌زدن، تمویل، تجهیز و گریز از این سوراخ به آن سوراخ، مجالی برای نوشتن باشد؟ گیرم که باشد باز این لاشخور که تمام عمر سر و کارش با راکت، خون و باروت بوده چه خواهد نوشت؟ دعوت و ترغیب به هم‌زیستی و اخوت و برادری؟ راه‌های رسیدن کشور به ترقی و تعالی، بازسازی، صلح داخلی و بین‌المللی، محیط زیست، نجات بشریت، محو خشونت، حقوق بشر، آزادی زنان... چه؟

دل من خوش بود که تا حال نویسندگی در افغانستان به گند کشیده نشده است، این عرصه هم آهسته‌آهسته به دست گرگ‌ها و کفتارها می‌افتد...

عزیز آریافر



وقتی برگ زمان برگردد

تاریخ واقعی اشخاص و جریان‌ها در زمان حضور آن‌ها و یا آینده قریب پس از مرگ آنان نوشته نمی‌شود، چون در این برهه شبه‌روشن‌فکران و ندگیر و کاسه‌لیس و عوام‌پشتیبان و عاشق چشم بسته این اشخاص به کسی اجازه نقد و تاریخ‌نویسی مبتنی بر واقعیت واقعیت را نمی‌دهند، اما خود از دیوها فرشته می‌سازند. وقتی برگ زمان برگشت و آب‌ها از آسیاب‌ها فرو افتند؛ به رغم تاریخ‌نویسی رسمی و استعماری، تاریخ‌نویسان واقعی فرا می‌رسند و با داس واقع‌گرایی و راستی‌آزمایی، مزرعه تخلیات مردم نسبت به اشخاص و شخصیت‌ها را می‌روند و آنگاه معلوم می‌شود که کی، کی بوده است! برخی افراد انگشت‌شمار در زمان حیات و قدرت چنین جریان‌ها و رهبران آن‌ها ماهیت آن‌ها را می‌دانند و برای روشن‌سازی واقعیت تلاش می‌کنند، اما به دلیل حمایت عوام از این جریان‌ها به علت جهالت و احساس‌گرایی، پشتیبانی کافی برای تعریف عوام‌پسند، واقعیت‌ها را نمی‌یابند و سرانجام یا سرکوب و یا مجبور به عزلت‌نشینی می‌شوند.

اما یک چیز ثابت وجود دارد که در تاریخ معاصر افغانستان هیچ فرشته‌ی وجود ندارد!

کاوه آهنگر



یعنی رهبران حکومت وحدت ملی آقایان اشرف غنی و عبدالله عبدالله همراه با جناب عالی والاحضرت حنیف اتمر! و کابینه امنیتی‌شان چگونه با مردم روبه‌رو خواهند شد؟ مثال اینان مثال همان موش‌های است که در اعماق زمین برای خود خانه و لانه ساخته‌اند و از این‌که در بیرون چسی می‌گذرد، هرگز خبر ندارند. اینان وقتی از یک نقطه به نقطه دیگر در شهر می‌روند، همانند آن موش‌ها برای خود دهلیزهای امن می‌سازند تا کسی مزاحم‌شان نشود.

اینان از خداوند نمی‌ترسند؛ زیرا اگر می‌ترسیدند، یا کاری به حال این مردم می‌کردند که اگر بخواهند بدون شک می‌توانند انجام بدهند و یا هم برای این‌که بار مسوولیت‌های‌شان بیشتر و بیشتر نگردد و نزد خدا و مردم بیش از این گناهکار نگردند، از مشاغل خود کناره می‌گرفتند و پی کار خویش می‌رفتند. اینان موجوداتی‌اند که گویی گل وجودشان را با حرص به قدرت سرشته باشند، اینان تا زمانی که آخرین فرد این ملت هم کشته و نابود گردد، هم‌چنان به یاهوگویی‌ها و عوام‌فریبی‌های خویش ادامه خواهند داد و با پیغ و فریاد و مشت‌های گره کرده‌ی میان‌تهی چونان پهلوان فلفل‌و به لاف و پتاق ادامه خواهند داد و هی غر خواهند زد که ما غیرت داریم و شیر هستیم و دشمنان را می‌خوریم.

خداوند شهدای حادثه بیمارستان محمد داوود را مغفرت کند و زخمیان را شفای عاجل نصیب فرماید و ما مردم را از شر حکام جاهل و غافل و طالبان و تروریستان ظالم نجات بدهد.

بهار مهر



ضرورت تغییر رهبری

ما در حالی به فصل جنگ نزدیک می‌شویم که سطوح رهبری نیروهای ملی دفاعی و امنیتی، فاقد ابتکار و ظرفیت مدیریتی این نهادها‌اند و در بیش از دو سال گذشته هزاران سرباز دلیر ما در اثر ناکاره‌گی و مدیریت ناسالم آن‌ها جان خود را از دست داده‌اند. این آدم‌ها تنها وزرا نیستند، بلکه معین‌ها، معاونین و ده‌ها جنرال فاسد و نالایقی‌اند که مناصب بلند دفاعی و امنیتی را قباله کرده و یا به ارت برده‌اند و بیشتر از هر چیزی بر حفظ و انباشت ثروت‌های بادآورده‌شان می‌اندیشند.

رهبری حکومت افغانستان صرفاً با ایجاد تغییرات اساسی در این نهادها می‌تواند جلو بدتر شدن اوضاع را بگیرد.

Mandegar

پاره‌های پیوسته رونمایی شد

هارون مجیدی

به گفته او: حافظه جمعی با نوشتن و روایت خاطرات چهره‌هایی که در شرایط خاصی نفس کشیده‌اند، می‌تواند سمت و سوی درست پیدا کرده و استمرار پیدا کند.

از سویی هم، داکتر شمس‌الحق آریان‌فر و عبدالحفیظ منصور متقدان دیگر این محفل بودند که در پیوند به اهمیت خاطره‌نویسی و ایجاد روایت‌های درست از وقایع تأکید کرده و گفتند که نوشتن خاطرات زمینه ایجاد گفتمان‌ها می‌کند و نقش شهروندان و ملت‌های حاضر در حوادث را برجسته می‌سازد.

گفتنی‌ست که آقای بیگانه در این کتاب ۳۸ پاره از خاطرات خود را نوشته است. در هر خاطره که در این مجموعه نوشته شده است، پاره‌ای از تاریخ کشور را می‌توان در آن خواند. تاریخی که با فراز و فرودهای زیاد روبه‌رو است و دشوار

«پاره‌های پیوسته» به گفته آقای فرهاداند. همزمان با این، نظری پریانی، مدیر مسوول روزنامه ماندگار و یکی از سخنرانان محفل رونمایی کتاب «پاره‌های پیوسته» گفت: یکی از حُسن‌هایی که کار آقای بیگانه در خود دارد، این است که برای هم‌نسلانش یاد می‌دهد تا چگونه خود را بعد از مرگ ماندگار سازند و وقایع را به نسل امروزی انتقال دهد.

به گفته آقای پریانی: کتاب «پاره‌های پیوسته» می‌تواند سرمشقی برای روایت کسانی باشد که در حوادث چندین دهه اخیر نقش داشته‌اند و نوشتن خاطرات خود تاریخ‌نویسی افغانستان را کمک کنند.

مدیر مسوول روزنامه ماندگار هم‌چنان بیان داشت: تاریخ افغانستان در نبود خاطرات کسانی که در ایجاد رخ‌داده‌ها نقش داشته‌اند، تحریف

پاره‌های پیوسته که مجموعه‌یی از خاطرات رحمت‌الله بیگانه است، به روز پنج‌شنبه (۱۹ حوت) در دفتر روند سبز افغانستان رونمایی و بررسی شد.

در محفلی که به همین مناسبت راه‌اندازی شده بود، در آن شماری از فعالان فرهنگی، سیاسی، پژوهش‌گران و دانشجویان اشتراک کرده بودند. به گفته منتقدان، نویسنده کتاب پاره‌های پیوسته تلاش کرده است که خاطراتش را به زبان ساده و روان بیان کند.

منتقدان به این باور اند که با خواندن پاره‌های پیوسته، از یک‌سو با برخی از مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سی سال گذشته کشور آشنا می‌شویم و از جانب دیگر، با نکات مهم نیز بر می‌خوریم و برای کسانی که به عرصه سیاست علاقه‌مندی دارند و هم‌چنان برای آنانی که در آینده می‌خواهند درباره تاریخ و رویدادهای گذشته کشور تحقیق کنند، منبع بسیار خوب و قابل اعتماد می‌تواند باشد.

امرالله صالح، رییس روند سبز افغانستان در آغاز محفل گفت، سبکی که رحمت‌الله بیگانه برای روایت خاطراتش در این کتاب انتخاب کرده، منحصر به خودش است.

به گفته آقای صالح: «پاره‌های پیوسته» به نحوی واقعه‌نگاری است و با نگاه ژرف و عمیق و با ظرافت‌ها و لایه‌هایی که اکثریت ما توانایی دیدن آن را نداریم و یا اگر می‌بینیم توانایی روایتش را به زیبایی نداریم.

رییس روند سبز افغانستان گفت: این اثر باگذشت هر روز ارزش بیشتر پیدا می‌کند، چون با بخش زیادی از این خاطرات و روایت‌ها بیشتر فاصله می‌گیریم و نسلی که از در خلق این خاطرات نقش داشته‌اند، به دلایل گوناگون از صحنه بیرون می‌روند.

به گفته آقای صالح: تاریخی که در چهل سال اخیر در افغانستان نوشته شده، توانایی اندکی برای گرزدن خواننده‌گان با اتفاقاتی که افتاده را دارند و اما روایت‌های آقای بیگانه به گونه‌یی است که خواننده یا با شخصیت‌ها آشنا می‌شود و یا با محیطی که روایت از آن برخاسته بیشتر آشنا می‌شود و حوادث را پیش چشمانش به تماشا می‌گیرد.

در این حال، جاوید فرهاد، منتقد و شاعر و یکی از سخنرانان این محفل در سخنانی گفت: پاره‌های پیوسته، روایت‌گر حوادثی که در یک تسلسل از لحاظ محتوا در برگیرنده موارد مختلف است و احساس می‌شود که گزینش در این مجموعه گنجینه شده‌اند.

به گفته آقای فرهاد: یکی از ویژه‌گی‌های این کتاب تسجیل رویدادهایی است که اتفاق‌اند و نویسنده به عنوان یک راوی هیچ وقتی محورگرایی نمی‌کند و این یکی از عناصر مهم واقعه‌نگاری است.

آقای فرهاد در ادامه سخنانش گفت: «من شماری از کتاب‌های خاطرات که در دو دهه اخیر نوشته شده‌اند را خوانده‌ام، خیلی از نویسنده‌گان این کتاب‌ها دروغ‌های شگفت گفته‌اند، اما خواننده صمیمت و صداقت بیگانه را در روایت‌هایش حس می‌کند.»

به گفته آقای فرهاد: کتاب «پاره‌های پیوسته» می‌تواند یکی از بهترین منابع برای نوشتن تاریخ چند دهه افغانستان است. ساده‌نویسی، یک‌دست و بی‌ادعایی از ویژه‌گی‌های دیگر

از سالروز شهادت مولانا سیدخیلی در پروان بزرگ‌داشت شد



از ششمین سالروز شهادت مولانا عبدالرحمن سیدخیلی فرمانده ارشد جهاد و مقاومت در پروان گرامی‌داشت به عمل آمد.

در این مراسم که دیروز (جمعه ۲۰ حوت) با حضور صداهاتن در مرکز پروان برگزار شده بود، سخنرانان مولانا سیدخیلی را فرمانده نرس و دلاور خواندند و کارنامه‌های او را در دوره‌های جهاد و مقاومت ستودند.

در این مراسم رییس اجرایی حکومت گفت که شهید سیدخیلی الگوی شهامت، قهرمانی، وطن‌دوستی و مبارزه بود و تا زمان شهادتش استوار و با ایمان برای دفاع از کشور رزمید. او علاوه کرد: نقش شهید دگر جنرال سیدخیلی در دوران جهاد و مقامت نیز برجسته و تأثیرگذار بود. به این خاطر جایگاه او در قلب مردم و تاریخ کشور ماندگار و جاویدان می‌باشد.

عبدالله عبدالله اظهار داشت: هرچند برخی‌ها در پی تضعیف و کنارزدن مجاهدین از صحنه می‌باشند؛ اما هرگز به این هدف‌شان نمی‌رسند. چراکه همه اقوام افغانستان بدون در نظر داشت زبان، قوم و منطقه درباره جهاد و مقاومت و مجاهدین وحدت‌نظر دارند.

او افزود که نقش مجاهدین در گذشته و حال برای تأمین امنیت، دفاع از تمامیت ارضی و ثبات افغانستان غیرقابل انکار است.

در این مراسم برخی از فرماندهان و اعضای خانواده جنرال سیدخیلی سخنرانی کردند. فرزند ارشد شهید سیدخیلی خواهان وحدت میان مجاهدین شد.

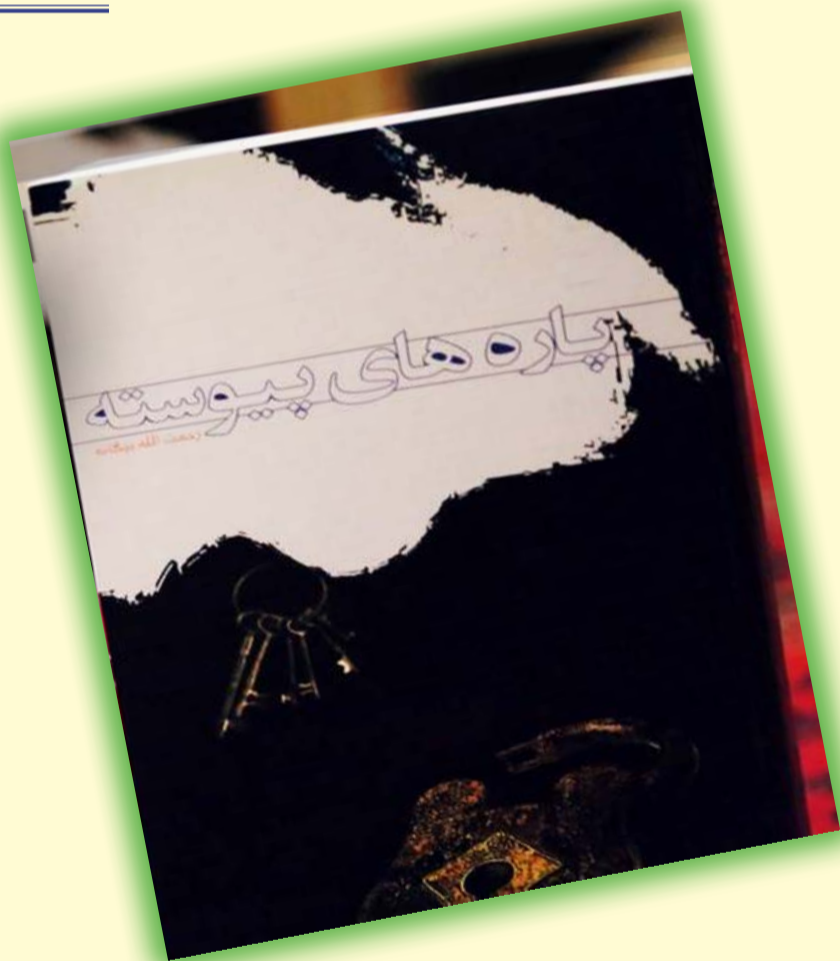
رییس بنیاد شهید مسعود به همین مناسبت با نشر اعلامیه‌یی گفته است: "نظامی‌گر باوقاری که از سیمایش از یک جهت دلیری، جوانمردی، سرسپردگی و آزاده‌گی درخشش داشت و از جهتی هم پاکبازی، افتادگی، مناعت و بی‌آلشی تجلی می‌کرد.

از یاران باوقای قهرمان ملی، از سنگرداران سنگرشکن میدان‌های معرکه‌ها، از مجاهدان اصغر و اکبر و از جانبازان دفاع این سرزمین، نامش برای همیشه جاویدانه است.

با دیدنش در هروضیعت و شرایطی استوار میشدی، با لبخندش روحیه میگرقتی و احساس نزدیکی و گرمی میکردی.

در آستانه ششمین سالیاد شهادت این برادر سرفراز، مومن متدین، از پرچمداران راستین جهاد و مقاومت، برروح پُرتوحش دعامی‌نمائیم، به نیابت بنیاد شهید مسعود به خانواده گرانقدرش همدلی داریم و به یاران و وابستگان این شهید راه خدا و مردم توفیق روزگار می‌طلبیم.

مولانا سیدخیلی شش سال پیش در ولایت کندز در نتیجه یک حمله انتحاری به شهادت رسید. او یکی از نامدارترین و با وفاترین یاران شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور بود.



است واقعیت‌ها را از میان آن توانی پیدا کنی، اما در خاطرات او واقعیت‌های بسیار نهفته است. رحمت‌الله بیگانه در هفتم جوزای ۱۳۴۰ خورشیدی در پنجشیر به دنیا آمده و آموزش‌های آغازین و رسمی خود را در کابل به سر رسانده است. آقای بیگانه سال‌های درازی در اداره رادیو تلویزیون ملی افغانستان، هفته‌نامه پیام مجاهد، وزارت عدلیه، روزنامه دریز و وزارت اطلاعات و فرهنگ کار کرده و بنیان‌گذار شبکه رادیویی آموزگار نیز می‌باشد و فعلاً به عنوان رییس عمومی رادیو تلویزیون تعلیمی و تربیتی مصروف خدمت است.

نمای بهتر، دیروز و امروز رادیو تلویزیون تعلیمی و تربیتی و رادیو تلویزیون آموزشی در افغانستان از رساله‌های دیگر آقای بیگانه است که پیش از این، به نشر رسیده‌اند.

شده و ما با تاریخ جعلی روبه‌رو هستیم و این سرزمین در بخش‌های گوناگون با جعل و تقلب خو گرفته است.

آقای پریانی اظهار داشت که آیین‌داری واقعیت‌ها تنها با سهم شخصیت‌ها به یادگار گذاشته شود و تاریخ‌نگاران با اتکا به این منابع می‌توانند روایت درستی از تاریخ را بنویسند.

آقای پریانی نیز روایت‌گری نویسنده در «پاره‌های پیوسته» را خالصانه گفته و خاطر نشان کرد: نویسنده روایت‌گر امین بوده و توانسته از عهده بیان روایت‌ها به درستی به در شود.

در حین حال، مجیب مهرداد، شاعر و سخنگوی وزارت معارف در این محفل که در پیوند به حافظه جمعی صحبت می‌کرد، گفت: حافظه جمعی در انسجام جمعی و ملی نقش براننده دارد و الهام‌بخش ایجاد هم‌دگرپذیری در میان شهروندان می‌شود.